

غزل شماره ۱۳۳

صوفی نهاد دام و سر حقه، باز کرد

بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد

بازی چرخ بشکندش بیضه در کلاه

زیرا که عرض شعبده با اهل راز کرد

ساقی یا که شاهد رعنا ی صوفیان

دیگر به جلوه آمد و آغاز ناز کرد

این مطرب از کجاست که سازِ عراق ساخت؟
و آهنگ بازگشت به راهِ حجاز کرد

ای دل ییا که ما به پناهِ خدا رویم
ز آنچ آستینِ کوتاه و دستِ دراز کرد

صنعت مکن که هر که محبت نه راست باخت
عشقش به روی دل در معنی فراز کرد

فردا که پیشگاهِ حقیقت شود پدید
شرمنده رهروی، که عمل بر مجاز کرد

ای کبک خوش خُرام کجای روی؟ بایست
غره مشوک که گریه زاهد نماز کرد

حافظ مکن ملامتِ رندان که در ازل
مارا خداز زهدِ ریایی نیاز کرد

تفسیر فال

کسی با نیرنگ و ریا، باب دوستی را با شما گشوده است. این تنها آغاز کار است و هنوز در ابتدای مسیر قرار دارید. از همین نقطه به فکر تغییر راه خود باشید و به سوی خداوند بزرگ پناه ببرید؛ چرا که دشمنی که در سایه فریبکاری نزدیک می‌شود، در نهایت دستش رو خواهد شد و حقیقتِ چهره او نمایان می‌گردد. اگر به این هشدار توجه نکنید و اقدامی نکنید، به زودی در آینده‌ای نزدیک از اعمال خود پشیمان خواهید شد و حسرت اشتباهاتتان

را خواهید خورد. انسان باید هوشیار باشد و از نشانه‌ها آگاه شود تا دچار
فریب نشود.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)